

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

اللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰی مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ

سوره مبارکه فرقان (جله، ششم)

جله خانوادگی - استاد اخوت ۱۵/۱۰/۹۵

برای سلامتی خودتان، بزرگترها، همه کسانی که برگردن ما حق دارند و از همه مهم تر امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) صلواتی ختم بفرمایید.

برای اینکه هر کسی در این محفل حاضر شده است، ثواب زیارت حج و همینطور زیارت رسول الله (صل الله علیه و آله و سلم) برایش ثبت و ضبط شود، صلواتی ختم بفرمایید.

برای اینکه امشب ما، به شب قدر پیوند یابد و وصل شود، صلواتی عنایت بفرمایید.

در رابطه با بحث سوره فرقان مطالبی را مطرح کردیم و این هفته بر بحث سلام و وقوف بیشتری خواهیم کرد.

یک تجربه خوب سلام کردن این است که انسان سلام را خدمت رسول الله (صل الله علیه و علی آله و سلم) ببرد و بگوید: السلام علیک یا رسول الله.

بهترین سلامها سلامی است که انسان به (معصومین علیهم السلام) بدهد. به خصوص که ما هر صبح و شب باید سلام اختصاصی مان را به حضرت بقیه الله (عج الله تعالی) داشته باشیم.

هر روز صبح، همین که دانستیم خدا عمر دوباره به ما داده است بگوییم سلام بر بقیه الله و شب نیز که می خواهیم دوباره از این دنیا برویم. چون ممکن است بار آخری باشد که در این دنیا باشیم و آخرین سلام را به حضرت بقیه الله بدهیم.

برترین سلامها سلامی است که به انسان کامل می دهیم برای اینکه این سلام جز اعمال صالح ما قرار بگیرد، صلواتی ختم بفرمایید.

وقتی روز را با سلام به بقیه الله آغاز و شب را با سلام بر ایشان تمام کردیم، روزمان بین دو سلام به انسان کامل قرار می‌گیرد و ان شاء الله آنقدر تداوم می‌یابد که ما آنطور می‌شویم که امام می‌خواهند یعنی از طفولیت خارج شده و به بلوغ می‌رسیم.

دو کار بر عهده‌ی امام است که حتما انجام می‌دهند. یکی اینکه هر کس برای امام زمان (عج الله تعالی) دعا کند، امام برایش دعا می‌کند. و دیگری هم سلام کردن است.

تَبَارَكَ الَّذِي نَزَّلَ الْفُرْقَانَ عَلَى عَبْدِهِ لِيَكُونَ لِلْعَالَمِينَ نَذِيرًا (۱)

معلوم می‌شود که پیامبر آمده‌اند که برای همه‌ی مردم در اقصی نقاط عالم نذیر باشند. مشخص می‌شود که مشکل آدم‌ها در مرحله اول این است که نمی‌دانند چطور می‌شود کسی که مانند خودشان است آنها را انذار دهد. و همینطور آیات را مرور کردیم.

بحث «مد ظل» را علامه (ره) اینطور مطرح می‌کنند که «مد ظل» امتداد سایه‌ای است که بعد از ظهر می‌شود. از مغرب سمت مشرق رو به زیادی می‌گذارد تا آنجا که آفتاب به کرانه افق رسیده و غروب می‌کند و شب می‌شود. علت اینکه سایه هست این است که خورشید است.

حضرت علامه (ره) بلافاصله این تشبیه را سوی وضعیتی که در عالم وجود دارد، برده‌اند.

زوال موقعی است که سایه کاملاً از بین می‌رود. ظهر در روایات به زوال شمس تعبیر شده است.

صبح سایه زیاد است و به تدریج کم می‌شود. ظهر، صفر می‌شود و سپس شروع به زیاد شدن می‌کند تا اینکه شب شده و سایه از بین برود.

حضرت علامه (ره) می‌فرمایند که داستان خورشید و سایه این را می‌خواهد بگوید که وقتی حقایقی به انسان می‌تابد علت اینکه انسان می‌تواند آنها را ببیند، تغییر و تحولاتی است که با آن رخ می‌دهد.

ارزیابی و دقت توجه در زندگی از طریق تغییر حالات اتفاق می‌افتد.

خداوند در عالم وضعیت ثابتی را برای حقایق قرار داده است که شما با نگاه کردن به آن می‌توانید خودتان را ارزیابی کنید.

عباد الرحمن در حالات مختلفی قرار می‌گیرند و در حالات مختلف بروزات مختلفی را از خودشان بروز می‌دهند.

انسان اگر انسان الهی باشد، اعتقاداتش به خدا ثابت است اما بروزات مختلفی از خود نشان می‌دهد.

یکی از مشکلات ما انسان‌ها این است که مانند بچه‌ای که به او می‌گوییم نقاشی بکش و اولین اشکالش این است که نسبت بین کوه و خورشید را رعایت نمی‌کند، درکی از تمایز و عظمت پدیده‌ها ندارد.

وقتی که خداوند به خورشید، شاخص و سایه مثال می‌زند هر کدام از این‌ها عظمتی دارند. هیچ وقت خورشید مثل سایه نیست. سایه کوه، مثل کوه است و سایه مورچه، مثل مورچه است. همانطور که سایه تابع موجود است و عظمتش را از وجود می‌گیرد، همانقدر آن شی سایه‌اش و خودش را از خورشید می‌گیرد. باید فاصله‌ی خدایی که می‌پرستیم و مشکلات و مسائلی که داریم فاصله قابل توجهی باشد. یعنی قدرتی که برای خداوند در نظر می‌گیریم به اندازه‌ی قدرت خودمان و مشکل‌مان نباشد.

بحث عباد الرحمن در سوره مبارکه فرقان در کنار جهاد کبیر ذکر شده است. جهاد کبیر جهادی است که انسان مومن تحت لوای رسول و دین قرار می‌گیرد و در شئون مختلف زندگی‌اش از کافرین اعراض می‌کند. دست از هم‌راستایی با نظام کفر برمی‌دارد. یعنی دیگر هم راستا با نظام کفر نیست. یعنی نظام کفر نمی‌تواند در منویاتش اعم از فرهنگی، اقتصادی و... از او استفاده کند. کسی که جهاد کبیر دارد حداقل دو خصوصیت دارد؛ تبعیت از رسول و اعراض از کفر. اگر کسی بخواهد از امروز به سراغ جهاد کبیر برود، راه عملیاتی کردن آن یازده صفت است: صفت اول ساده زیستی و تواضع است که جلسات قبل گفتیم. اما هر چقدر به سمت نخبگی پیش می‌روند از این صفات فاصله می‌گیرند!

هر کدام از ما نماینده ولی الهی در جایی که حضور داریم، هستیم. ممکن است خانه باشد، یا و یا جایی بزرگتر.

جهاد کبیر یعنی حتی اگر با جاهل هم مواجه بشویم، هم خودمان و هم آن جاهل را در امنیت قرار بدهیم.

یکی از دوستان تعریف می‌کرد که یکی از بستگان به من طعنه زد و من سکوت کردم. باز در جای دیگر طعنه زد و من چیزی نگفتم. آن فرد طعنه زننده بدحال شد. بعد او میگفت نکند بخاطر این باشد که من دلم شکسته است؟ و... یعنی نگران است و نمی‌خواهد برای دل شکسته شدنش هم، جاهل گرفتار شود!

مومن در امنیت است یعنی حاضر نیست دیگران بخاطر برخورد بدی که با وی می‌کنند، آسیبی ببینند.

«سلام» یعنی جاهل را به سمت تبرئه بکشانید.

این که شما جامعه را پر گناه نشان بدهید، هنر نیست بلکه حیا را از بین می‌برد.

در جهاد کبیر وقتی انسان مومن وارد نظام اجتماعی می‌شود تنش‌اش با دیگران زیاد است و اگر سیستم سلام نداشته باشد در همان قدم اول شکست می‌خورد.

شما دارید فعالیت قرآنی کنید و عده‌ای فعالیت قرآنی شما را قبول ندارند. اگر فعالیت قرآنی شما را قبول ندارند یعنی قرآن را قبول ندارند؟! قرآن را قبول دارند اما شما را قبول ندارند.

مثلا شما جایی سخنرانی می‌کنید و فردی اعتراض می‌کند که شما خودتان این صحبت‌ها را سر هم کرده‌اید و اصلا قرآن شفای هر درد و تیان لکل شی نیست. شما به دو صورت می‌توانید برخورد کنید؛ یا اینکه طرف را سمت آتش هل بدهید که تو چنین و چنان هستی و قرآن را قبول نداری و... یا اینکه بغلش کنی و سمت و سوی بحث را عوض کنی و بگویی این حرف‌هایی که گفتید مربوط به من است، لابد بیان من ایراد داشته است. من یا از این به بعد دیگر جایی سخنرانی نمی‌کنم یا اول بیانم را درست می‌کنم. با این برخورد، آن فرد فروکش می‌کند.

در جامعه این حق را ندارید که فوراً دیگران را به سمت آتش هل بدهیم.

ما نباید مردم را به این راحتی بی دین و ایمان کرده و آنها را مقابل دین و ایمان قرار دهیم.

در جهاد کبیر، برخورد سلام است. یعنی فرد می‌داند که تو دشمنش هستی اما تهمت که هیچ، حتی غیبتش را نمی‌کنی!

قول سلام وقتی وارد شود، حس خود انسان حس جوانمردی می‌شود.

ویژگی دیگر بی‌توبه داشتن است. بی‌توبه یعنی اینکه شب را درک کند، حال چه بخوابد و چه نخوابد. عباد الرحمن کسانی هستند که شب دارند یعنی شب را درک می‌کنند. برای شب وضعیت خاصی قائل هستند. مثل اینکه نظام فکری آنها و نظام برنامه ریزی‌شان از شب درست می‌شود. پس در جهاد کبیر اگر فردی بی‌توبه در شب نداشته باشد، اساساً قدرت اینکه بتواند دشمن را بشناسد و از او اعراض کند، برایش وجود ندارد. در شب است که انسان می‌تواند

به نظام فکری مهم دست یابد. در بلد الامین نمازی از حضرت رسول (صلی الله علیه و آله و سلم) نقل شده است که در دعایش این آیه «وَالَّذِينَ يَقُولُونَ رَبَّنَا اصْرِفْ عَنَّا عَذَابَ جَهَنَّمَ إِنَّ عَذَابَهَا كَانَ غَرَامًا» آمده است.

پیدا است که عباد الرحمن خودش را مبرای از عذاب جهنم نمی‌داند.

ان شاء الله خداوند ما را از عذاب جهنم نجات دهد به برکت صلوات بر محمد و آل محمد

سوال: برای موفق شدن در بیتوته کردن چه باید بکنیم؟

بعضی از علما فرمودند جواب در آیه ۶۲ است: «وَهُوَ الَّذِي جَعَلَ اللَّيْلَ وَالنَّهَارَ خِلْفَةً لِّمَنۢ أَرَادَ أَنۢ يَذَّكَّرَ أَوْ أَرَادَ شُكُورًا» شب و روز را خلف قرار داده است و خلف را جبران معنا کرده‌اند. یعنی اگر کسی توان بیتوته را در شب ندارد، آن عبادت را روز برای خودش جبران کند.

برخی به دلایلی امکان شب زنده داری را ندارند. مهم این است که در روز مقداری از زمان را به نیت شب بیتوته کنند.

جواب دوم هم این است که هر مقدار که اضطرار انسان نسبت به عذاب جهنم بیشتر شود، خواب انسان بالتبع کمتر می‌شود.

بعضی‌ها از غم می‌ترسند در حالی که باید ترس را به یک جریان عبادی تبدیل کرد.

هیچگاه نباید ناامید شد. بالاخره ما بنده خدا هستیم و ضعیف هم هستیم. باید ولو با یک پلک زدن، نیت بیتوته را داشته باشیم. آن وقت به شرط استمرار درست می‌شود.

تعمیل در فرج امام زمان (عج) صلوات